

عنوان تحقیق: سلامت روان و مدرسه کارآمد

(دیپارتمان متوسطه دوم پسران سما قائمشهر)

سلامت روان و مدرسه کارآمد

مدارس همان گونه که در پرورش و شکوفایی استعداد دانش آموزان مهم ترین نقش را ایفا می کنند، در برقراری آرامش روانی، نشاط، سلامت روح و جسم آنان یا برعکس، افسردگی و گوشه گیری آن ها نیز دخیل اند. معلمان باید مانند والدین کودک یا حتی مهربان تر از آنان باشند.

نقش مدرسه در سلامت روان دانش آموزان

دانش آموزی که متعلق به خانواده ای از هم گسیخته است، به یک تکیه گاه و پشتوانه مطمئن نیاز دارد. این چنین دانش آموزی ممکن است به علت احساس فقدان امنیت به آسانی به کسی اطمینان نکند و ناراحتی خود را بروز ندهد. به این ترتیب یا به دانش آموزی افسرده و منزوی تبدیل می شود یا با پرخاشگری و آزار و اذیت اطرافیان بر احساس درونی خویش غلبه می کند .

در چنین مواردی فقط یک مربی مهربان، دلسوز و فداکار می تواند با جلب اطمینان او به خود، مشکل او را جویا شده و این موجود بی پناه را از سرگردانی، دلهره و اضطراب نجات دهد. محیط مدرسه باید به گونه ای باشد که دانش آموز در آن احساس امنیت کند و با میل و رغبت به آنجا قدم گذارد. باید توجه داشت در نظر گرفتن مدرسه تنها به عنوان یک محیط آموزشی با مجموعه ای از قوانین خشک انضباطی و تربیتی نمی تواند در برانگیختن انگیزه دانش آموزان به سوی علم و دانش موثر واقع شود.

مدرسه و دانش آموز

دانش آموزان پایه های متعدد تحصیلی از طبقات گوناگون اجتماع با فرهنگ ها، اعتقادات و آداب و رسوم خاص خانواده های خود به این مکان آموزشی قدم می گذارند. بالطبع شیوه برخورد و رفتار آموزگار و مربی با توجه به روحیات و خلق و خوی آنان، باید متفاوت باشد.

برای تشویق دانش آموزان به فراگیری علم لازم است اخلاق نیکو و پسندیده نیز در کنار قوانین انضباطی مدرسه گنجانده شود. مهم ترین عاملی که سبب فساد اخلاقی دانش آموز و انحطاط وی می شود، بی توجهی و طرد او از کانون خانواده و محیط مدرسه است. او هنگامی که خود را در میان

انبوهی از انسان ها، تنها و بی کس احساس می کند ناگزیر می شود به افرادی روی آورد که برای او ارزش و اهمیتی قابل می شوند .

در بیشتر موارد متوسل شدن به گروه های منحط جامعه و باندهای متعدد نتیجه همین سردرگمی و طردشدگی کودک است. وضع روانی دانش آموز که حاصل تعامل و ارتباط متقابل او با محیط خانواده است، یکی از عوامل تعیین کننده وضع تحصیلی اوست. محیط خانواده چه از نظر اقتصادی و چه از نظر شیوه های تربیتی پدر و مادر، تاثیری انکارناپذیر در چگونگی حالت روانی و درنهایت وضع تحصیلی او خواهد داشت. همه دانش آموزان از وضعیت اقتصادی مشابهی برخوردار نیستند .

دانش آموزی که به علت فقر مالی از حداقل امکانات رفاهی برخوردار است، احتمالاً از لحاظ روحی و روانی نیز با مشکل مواجه می شود. بدون شک این امر از جمله مسایلی است که می تواند در افت تحصیلی وی تاثیر داشته باشد. به خصوص دانش آموزانی که برای برطرف کردن احتیاجات خانواده ناگزیرند پس از مدرسه کار هم بکنند.

یک جنبه از تفاوت های فردی میان دانش آموزان از حیث عملکرد تحصیلی، تفاوت آنها در رشد طبیعی و متعادل جسمی است. برای مثال چنان چه دانش آموز از لحاظ بعضی جنبه های رشد جسمی عقب افتادگی داشته و یا دارای مشکلاتی باشد، طبیعی است که نمی توان انتظار داشت جریان تحصیلی خود را به طور عادی و طبیعی طی کند .

دانش آموزی که چشم ضعیف یا شنوایی ناقص دارد یا از لحاظ بدنی دچار خستگی زودرس می شود و یا به علت کمبود غذایی از جسم سالمی برخوردار نیست، چگونه می تواند در امر تحصیل فرد موفقی باشد؟

در این جاست که آموزگاران باید متوجه تفاوت های فردی میان دانش آموزان باشند. پس همان گونه که والدین نباید فرزند خود را با فرزندان دیگرشان یا با سایرین مقایسه کنند، در مدرسه نیز مربیان نباید استعدادها و قابلیت های دانش آموزی را به دانش آموز دیگر متذکر شوند یا او را ملامت کنند.

دیرستان متوسطه دوم پسران سما قائمشهر